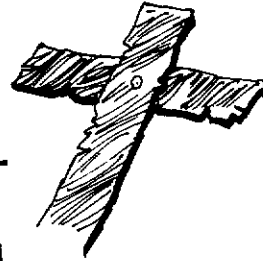


محبیت در



مذهب کلیسا

چگونه مذهب کلیسا با این همه کشتارها سنگ محبت به سینه می‌کوبد؟
و چرا از فقدان مهر، اشک تمساح می‌ریزد؟

مسیحیت در ماسک محبت، خودنمایی‌های فراوانی کرد و از این سو، سودهای سرشاری نیز عایدش گردید. مسیحیت، مدعی محبت است و در تبلیغات گسترده و پرطمطراقش هم، همواره بسط و نفوذ آن را تا ژرفای دل‌های مردمان خواستار شده است. ناگفته پیداست که از عوامل توسعه‌ی مذهب کلیسا و افزایش پیروان آن، اصالت و کلیتی است که این آئین برای محبت منظور گرفت، و تنها عامل نجات و رستگاری انسانها را نیز همان معرفی کرد، بدون آنکه کمترین اثر و ارزشی برای عمل‌قائل باشد. اینک باید دید که مسیحیت مبلغ و مدعی محبت، تا چه اندازه در عمل بدان پای‌بند است و تا کجا از نظر اخلاقی گفتارش را با رفتاری چشمگیر توأم ساخت؟

در کتابهای باصطلاح آسمانی مسیحیت گاهی سخن از صلح و محبت به میان آمده است.^۱ اما متأسفانه تا کنون پیروان اناجیل به ندای آن گوش نداده‌اند و این دعوتهای متناقض هیچگاه، مانع از بروز جنگهای سخت از جانب مسیحیان نشده است.

اینکه گفتیم ندای نقض شده صلح، تأثیری در طرفداران اناجیل نداشته، چون این کتابها در مورد محبت، و صلح و سازش نیز مانند همه‌ی مسایل دیگر دچار تناقض گویی و تهافت در تعبیر شده‌اند.

مثلاً در انجیل متی برخلاف آنچه که از دیگر کتابهای باصطلاح آسمانی مسیحیت پیرامون صلح و محبت نقل کردیم، با صراحت تمام از قول مسیح می‌گوید:

" گمان مبرید که آمده‌ام تا سلامتی بر زمین بگذارم نیامده‌ام تا سلامتی بگذاریم بلکه شمشیر را^۲

در انجیل لوقا هم نظیر این عبادت از مسیح نقل شده که گفته است
 " آیا گمان می‌برید که من آمده‌ام تا سلامتی به زمین بخرم ، نی بلکه به شامی گویم
 تفریق را^۳"

بهر حال ، اربابان کلیسا و حامیان اناجیل که اکنون هم در تبلیغات گسترده و جهانی خود سنگ طرفداری صلح به سینه می‌کوبند و ندای بسط محبت را اعلام می‌دارند نه تنها در هیچ عصر و دوره‌ای از بروز جنگهای خانمانسوز داخلی و خارجی جلوگیری نبودند که خود عامل خونریزی و آتش افروزان جنگهای جهانی هم بودند .

تاریخ ، جنگها و آدمکشی‌هایی را ضبط کرده که شعله‌های سوزان و همه گیر آن به دست پدران روحانی و منادیان محبت مسیحی، افروخته شده است

جنگهای صلیبی

جنگهای صلیبی که قرن‌ها بدرازا کشید و بارها صفوف متخاصم از هم پاشیده و متلاشی شد ، از جانب چه کسانی آغاز گردید؟ و برای چه منظوری این خون ریزی‌ها در چنان مدتی مدید ادامه پیدا کرد؟ آیا آتش افروزان جنگهای صلیبی (که از نام تاریخی آن نمایان است) جز اربابان کلیسا و پدران روحانی کسان دیگری بودند؟ و آیا با وجود آن همه خونی که حتی از انسانهای بیگناه ریختند باز هم می‌توانند در ادعای مهرورزی و محبت‌گیشی خویش صادق باشند .؟

نخستین کسیکه آتش جنگهای صلیبی را برافروخت " پاپ اوربن " دوم ، رهبر مسیحیان جهان بود . او که دارای مقام ریاست عالیه بر تمام روحانیت مسیحیت بود ، مجمعی از رهبران مذهبی مسیحی در یکی از شهرهای فرانسه (کلرمون)^۴ تشکیل داد . " پاپ اوربن " در پایان جلسات پی در پی که جهت اصلاح امور مذهبی مسیحیان و نجات مذهب مسیحیت منعقد کرده بود ، با حضور گروه فراوانی از کشیشها و سردمداران کلیسا اعلام نمود که " باید پیروان مسیح به خاطر خدا و برای نجات " ارض اقدس " و " تربیت مسیح " اسلحه بدست‌گیرند و با ساکنان فلسطین و سرزمینهای مقدس ، وارد جنگ شوند "

وی در نطق آتشین خویش که بدیمنطور ایراد می‌کرد برای تشدید جنگ و دامن زدن به آتش کشمکشها و آدمکشی‌ها به این سخن مسیح نیز استدلال نمود که گفته بود "از خویشتن بگذر، صلیب خود برگیر و از دنبال من بیا" ۵.

تأثیر این سخنرانی مهیج، چنان قوی و سریع بود که فوراً مسیحیان حاضر، صلیبی از پارچه ترتیب داده به شانه خود دوختند و درحالیکه فریاد "مشیت خدا چنین بود" می‌کشیدند، آتش جنگهای چندین قرن صلیبی را برافروختند. این پدر روحانی و منادی محبت انسانی! در تشویق ملل مسیحی به جنگ و آدمکشی، به همین اندازه قناعت نکرد هیچ که جهت گسترش دامنه‌ی جنگ، سفرهای متعددی نیز برای تجهیز قوای رزمی کرد و به عموم "اسقفها" و "کشیشها" بخشنامه و دستور صادر نمود تا در تشویق توده‌های مسیحی و تقویت نیروهای نظامی، به وعظ و تبلیغ آنان بپردازند و به "عوام الناس" وعده دهند که:

"هرکس در اردوکشی‌های صلیبی شرکت جوید، تمام معاصی و گناهانش بخشیده و آمرزیده خواهد شد و تا زمانی که جنگ ادامه دارد، زن و فرزند و اموال رزمندگان راه نجات "ارض اقدس" از هر نوع تعرض، مصون خواهد بود و در امان دیانت مسیح قرار خواهد گرفت. ۶

وحشیگری صلیبی‌ها در قسطنطنیه:

گفتیم تبلیغات گسترده پاپ و موعظه‌های سردمداران کلیساها جهت ترغیب ملل مسیحی، برای تصرف "تربت مسیح (فلسطین) آغاز شد، و تلاطم امواج وسیع و بی دریبی این تبلیغات، افکار و عقول مسیحیان را در ژرفای اقیانوس عظیم احساسات غرقه ساخت.

"پطرس ناسک" که یکی از پرشورترین یاران پاپ در شمال فرانسه بود، در مسیر تلاش‌های تبلیغی خود به هرجا که می‌رسید با خطابه‌های هیجان انگیزش آتشی به جان مردم می‌افکند و مرتب بر تعداد سپاهیان صلیبی می‌افزود.

در خلال این احوال بود که "قشون صلیب" تجهیز یافت به حکم پاپ، تاریخ ۱۵ اوت سال ۱۰۹۵ میلادی روز حرکت سپاه صلیب اعلام گردید، و قرار شد این قشون به چهاربخش مهم تقسیم شود و هریک مسیری در پیش گیرد و سرانجام همگی در کنار "قسطنطنیه" بهم برسند.

با آنکه در این اردو کشتی هیچیک از پادشاهان و زمامداران سرزمینهای مسیحی نشین شرکت نداشتند، زیرا پاپ فیلیپ اول "پادشاه فرانسه و امپراتور "هانری چهارم" را "تکفیر" کرده بود" ولی در عین حال صفوف سپاهیان، در چهار بخش مهم و منظم به سرپرستی گروهی از فرماندهان کارگشته و کینه‌توز راه خود را بطرف قسطنطنیه آغاز کردند

ریاست عالیّه جنگ صلیب، در واقع بدست خود پاپ بود، اما وی اسقفی بنام "آدومار دومونتی" را به نیابت خود همراه اردوی صلیبی روانه نمود.^۷ این اردو در بین راه چه خرابکاری‌هایی که مرتکب نشد، گرچه صلیبی‌ها در طی جنگهای متعدد، شکستها و پیروزیهایی را در پی داشتند، ولی حمله و وحشیانه‌ی پیروان اناجیل در قسطنطنیه روی اقوام خون ریز در تاریخ بشریت را سفید کرد.

قشون صلیب تقریباً بدون مقاومت از جانب مردم قسطنطنیه، این سرزمین را متصرف شد. چنانکه مورخ محقق "ویل آردوئن" می‌گوید "غنائم سپاهیان جنگی در این پیروزی به درجه‌ای رسید که افراد قشون، حساب طلا، نقره، ظروف جواهر، اطلس، حریر و بالابوش گرفته تا خز و سنجاب و لباسهای فاخر را کم کردند.

وی می‌گوید: از ابتدای آفرینش عالم تا کنون هیچ شهر تا این اندازه ثروت نداشته است. هرکس از سپاهیان، بدلخواه خود جا گرفت و جا برای احدی کم نیامد. از این افتخار و نیز از ذوق نعمت خداداده قشون صلیب در پوست نمی‌گنجید، زیرا کسانی که به فقر و مسکنت زندگی گذراندند اکنون به ثروت و عزت رسیده بودند.^۸

در تاراج قسطنطنیه قشون صلیب مانند اقوام جاهل با این شهر و ساکنان آن رفتار کرد. مثلاً مرمرها را خرد نمود "و آثار مستظرفه" را شکست و تا سیم وزر و سنگهای گرانقیمت آن را با خود ببرد. مجسمه‌های مفرغی را که شاهکار هنرنمایی قدیم بسود ذوب کرد تا از سکه‌های آن پول کافی بدست آورد. از "آثار متبرکه" و ظریفه‌ای که صلیبی‌ها بعد از غارت سال (۱۲۰۴ م) از قسطنطنیه آوردند در "ونیز" و بعضی دیگر از بلاد مغرب زمین دیده می‌شود.^۹

انجیل بدستان مهاجم، در طی راهشان بسوی فلسطین، ضمن کشتارها و خرابی‌ها و تحلیل نیروهای انسانی، پس از سه سال سرانجام چشمشان را با دیدن بیت المقدس روشن کردند. قشون صلیب بعد از آنکه دروازه‌های فلسطین را به روی خود باز دید

وارد شهر شد، خون‌ریزیهای وحشتناکی را براه انداخت...
 "گود فروآروبویون" که یکی از سرکردگان سپاه صلیبی است در طی نامه‌ای که
 برای پاپ نوشت، میزان خسارات و جنایات و حدود خونریزی‌های رزمندگان قشون را
 بخوبی می‌نمایاند، وی خطاب به پاپ می‌نویسد
 اگر می‌خواهید بدانید با دشمنانی که در "بیت المقدس" بدست ما افتادند
 چه معامله‌ای شد، همینقدر بدانید که کسان ما، در "رواق سلیمان" و "معبد" در
 لجمای از خون مسلمانان می‌تاختند و خون تازانوی مرکب می‌رسید.
 "آلبرماله" می‌گوید عموم روایات تاریخی برقتل‌عام مردم فلسطین شهادت
 می‌دهد. و از نامه‌ی "آروبویون" نقل می‌کند که ده‌هزار مسلمان تنها در معبد قتل
 عام شد و هرکس در آنجا راه می‌رفت تا بند پایش را خون می‌گرفت... از کفار هیچکس
 جان سالم بدر نبرد و حتی زن و اطفال خردسال راهم معاف ننمودند... پس از کشتار
 نوبت به غارت رسید، کسان ما چون از خون‌ریزی سیر شدند به‌خانه‌ها ریختند و
 هرچه بدستشان افتاد ضبط کردند هرکسی (چه فقیر و چه غنی) به‌رجا وارد می‌شد
 آن را "ملک مطلق" خود می‌دانست... و این رسم چنان جاری و عمومی بود که
 گوئی قانونی است که باید مو به‌مو رعایت شود... ۱۰
 آری، هدف مسیحیت از آن‌همه قتل و غارت و تحمل مشقت این بود که فلسطین
 اسلامی را به تصرف خویش درآورد و سپس برخلاف مبانی اخلاقی و آداب انسانی
 مسلمانان را زیر شکنجه و فشار قرار دهد هنوز هم، بدین نیت شوم در پرتو اتحاد
 نامقدس با صهیونیسم بین‌المللی جامه عمل می‌پوشانند درحالیکه مسلمانان درگذشته
 با مسیحیان و یهودیان این دیار برادر وار زندگی می‌کردند.

۱- در رساله پولس رسول به رومیان "باب ۱۳ جمله ۸ می‌خوانیم که:
 "مدیون احدی به چیزی نشوید جز به محبت نمودن با یکدیگر، زیرا کسیکه دیگری را
 محبت نماید شریعت را بجا آورده باشد"
 و نیز در انجیل آمده است
 "خوشا به سعادت آنان که برقرار کننده صلحند" بنقل "درباره مفهوم انجیلیها" ص

۱۸۸

۲- انجیل متی باب ۱۰ جمله ۳۴

۳- انجیل لوقا باب ۱۲ جمله ۵۱

۴- CLERMONT

۵- تاریخ البرماله قطع جیبی قسمت دوم ص ۲۵۱

۶- تاریخ البرماله قطع جیبی قسمت دوم ص ۲۵۱ ۷- همان مدرک ص ۲۵۲

۸- البرماله ج ۲ ص ۲۶۵ ۹- همان مدرک ص ۲۶۵ ۱۰- البرماله قسمت دوم ص ۲۵۲